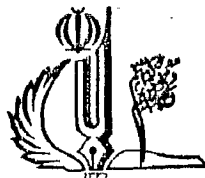


۸۷۱۱/۱۰۲۶۳۱

۸۷۱۱/۷



دانشگاه تهران

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

گروه تاریخ

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ

گرایش ایران اسلامی

عنوان

جریانها و گروههای ناسیونالیستی از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای

۲۸ مرداد ۱۳۳۲

استاد راهنما

دکتر جلیل نایبیان

استاد مشاور

دکتر ایوب امیر کواسمی

پژوهشگر

هادی شریعتی سرابی

بهمن ۱۳۸۶

کتابخانه مرکزی
تاسیس ۱۳۵۷

۱۳۸۷ / ۴ / ۳

۱۱۰۵۳۵۵

سپاس نامه

پس از حمد و ستایش خدا که قدرت داد این پایان نامه را به پایان برسانم لازم است از زحمات آقای دکتر جلیل نایبیان در راهنمایی این پایان نامه تشکر کنم. از آقای دکتر ایوب امیر کواسمی استاد محترم مشاور نیز سپاسگزارم. همچنین از اساتید محترم گروه تاریخ دانشگاه تبریز که دو سال افتخار شاگردی ایشان را داشته و از راهنمایی‌شان استفاده زیادی برده ام کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

نام خانوادگی دانشجو: شریعتی سرابی نام: هادی	
عنوان پایان نامه: جریانها و گروههای ناسیونالیستی از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲	
استاد راهنما: دکتر جلیل نایبیان	استاد مشاور: دکتر ایوب امیر کواسمی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته و گرایش تحصیلی: تاریخ ایران اسلامی
دانشگاه: تبریز	دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی
تاریخ فارغ التحصیلی: ۸۶/۱۱	تعداد صفحات: ۲۸۶
کلید واژه: ناسیونالیسم، حزب، جبهه ملی، سومکا، ایران، پیکار، استقلال، پان ایرانیست	
<p>چکیده:</p> <p>اشغال ایران به وسیله متفقین در سال (۱۳۲۰) باعث شد که فضای سیاسی ایران باز شود و تمرین دموکراسی در ایران که با روی کار آمدن رضاخان متوقف شده بود، از سر گرفته شود در خلال سالهای دهه بیست، احزاب زیادی در ایران به وجود آمد که سه جریان عمده چپ، اسلامی و ملی را در بر می گرفت. در این میان، حزب توده از نفوذ بیشتری برخوردار بود.</p> <p>در سالهای آغازین اشغال، احزاب ملی گرایی چون: پیکار، میهن پرستان، میهن، استقلال و ایران به وجود آمدند. وجود رقبای قدرتمند دیگر سبب شد که پس از مدتی احزاب پیکار، میهن پرستان و استقلال، با هم ادغام کرده و حزب میهن را به وجود آورند و پس از مدتی حزب جدید با حزب ایران وارد ائتلاف شد و رسماً تحت عنوان حزب (ایران) شروع به کار نمود. حزب ایران که هسته اولیه آن را کانون مهندسین تشکیل می داد، توانست در جریانهای سیاسی آن مقطع، مؤثر واقع گردد. ائتلاف حزب ایران با</p>	

حزب توده و شرکت در جبهه مؤتلف احزاب آزادیخواه، واکنش در برابر مسئله نفت، انشعاب، بعد از ائتلاف با حزب توده و رکود تا تشکیل جبهه ملی را می‌توان مهمترین مسایل مربوط به این حزب برشمرد. به دنبال تشکیل جبهه ملی این حزب توانست مجدداً فعالیت خویش را از سر گیرد، هر چند که در فاصله سال ۱۳۳۱ باز دچار انشعاب و اختلاف حزبی شد.

جبهه ملی که به دنبال اعتراض به انتخابات مجلس شانزدهم و تحصن در دربار در سال ۱۳۲۸ تشکیل شد، زمینه را برای فعالیت احزاب دیگر فراهم ساخت. در این میان احزابی چون ایران، زحمتکشان ملت ایران، ملت ایران و مردم ایران حضور داشتند که عناصر تشکیل دهنده جبهه ملی را در برمی گرفتند. حزب زحمتکشان ملت ایران به وسیله افرادی چون دکتر مظفر بقایی کرمانی و خلیل ملکی تشکیل شد که بعدها به دلیل اختلاف میان این دو جناح، حزب دچار انشعاب گردید و حزب جدیدی به نام (نیروی سوم) به رهبری خلیل ملکی از آن به وجود آمد و تا نهایت؛ یعنی کودتای بیست و هشت مرداد به حمایت خویش از مصدق ادامه داد.

حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم توسط داریوش فروهر به وجود آمد و در واقع انشعابی از حزب پان ایرانیست بود که در سال ۱۳۲۶ به وجود آمده بود و گرایشهای ناسیونالیستی شدیدی داشت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
۱.....	تعریف حزب.....
۴.....	تاریخچه ناسیونالیسم در قبل از شهریور ۱۳۲۰ در ایران.....
۴.....	فعالیت احزاب سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰.....
۸.....	جریانها یا تفکرات سیاسی عمده در شکل گیری احزاب سیاسی ایران.....
۹.....	جریان ملی گرا یا ناسیو نالیست.....
۱۱.....	تعریف ناسیونالیسم.....
۱۳.....	عوامل موثر بر ناسیونالیسم.....
۱۳.....	یادداشتها و منابع مقدمه.....
۱۵.....	فصل اول: کلیات.....
۱۵.....	تعریف و تحدید موضوع.....
۱۵.....	بیان مسئله پژوهش.....
۱۶.....	اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق.....
۱۶.....	بیان اهداف تحقیق.....
۱۷.....	طرح سوالهای پژوهشی.....
۱۷.....	تعریف مفاهیم.....
۱۸.....	پیشینه تحقیق.....

۱۹.....	روش شناسی تحقیق.....
۲۰.....	بررسی منابع.....
۳۳.....	فصل دوم :حزب سومکا.....
۳۳.....	تشکیل حزب سومکا.....
۳۴.....	برنامه ها و ایدئولوژی حزب سومکا.....
۳۹.....	ضدیت حزب با نظام دمکراسی و نظام پارلمانی.....
۴۰.....	انشعاب در حزب.....
۴۱.....	فعالتهای حزب سومکا پس از انشعاب.....
۴۲.....	حزب سومکا و قیام ۳۰ تیر.....
۴۵.....	حزب سومکا و کودتای ۲۸ مرداد.....
۴۷.....	حزب سومکا پس از کودتای ۲۸ مرداد.....
۴۷.....	چگونگی تامین هزینه های حزب سومکا.....
۴۸.....	نشریات حزب سومکا.....
۴۹.....	یادداشتها و منابع فصل دوم.....
۵۵.....	فصل سوم :حزب پیکار.....
۵۵.....	تشکیل حزب پیکار.....
۵۶.....	نشریات وابسته به حزب پیکار.....
۶۰.....	یادداشتها و منابع فصل سوم.....
۶۲.....	فصل چهارم:حزب استقلال.....
۶۲.....	تشکیل حزب استقلال.....

۶۲	موسسین و اعضای حزب استقلال
۶۳	مرامنامه حزب استقلال
۶۴	نشریات حزب استقلال
۶۴	جبهه استقلال
۶۶	دلیل خروج حزب استقلال از جبهه ملی
۶۸	فعالیت‌های سیاسی عبدالقدیر آزاد
۷۱	یادداشت‌ها و منابع فصل چهارم
۷۳	فصل پنجم: حزب جنگل
۷۴	یادداشت‌ها و منابع فصل پنجم
۷۵	فصل ششم: حزب نمکا(نجات ملی کارگران ایران)
۷۶	یادداشت‌ها و منابع فصل ششم
۷۷	فصل هفتم: حزب ایران
۷۷	تشکیل حزب ایران
۸۰	کانون مهندسین
۸۲	چگونگی تشکیل کانون مهندسین به روایت یکی از اعضای آن
۸۳	اساسنامه کانون مهندسین
۸۴	فعالیت‌های سیاسی حزب ایران در سال‌های نخستین تشکیل حزب
۸۶	ائتلاف حزب ایران و حزب میهن
۸۸	ائتلاف حزب ایران و حزب توده
۹۷	حزب ایران و فرقه دمکرات آذربایجان

- ۱۰۱.....شرکت حزب ایران در کابینه ائتلافی قوام.....
- ۱۰۲.....حزب ایران پس از سقوط کابینه ائتلافی قوام و شکست نهضت آذربایجان.....
- ۱۰۴.....فعالیت‌های سیاسی حزب ایران.....
- ۱۰۷.....حزب ایران و مجلس پانزدهم.....
- ۱۱۰.....حزب ایران و مجلس شانزدهم.....
- ۱۱۱.....فعالیت‌های سیاسی حزب ایران از سال ۱۳۲۹ تا کودتای ۲۸ مرداد.....
- ۱۱۴.....چهارمین کنگره حزب ایران.....
- ۱۱۵.....انتخاب اللهیار صالح به عنوان وزیر کشور.....
- ۱۱۶.....حزب ایران و مجلس هفدهم.....
- ۱۱۷.....ان‌شعاب در حزب ایران در سال ۱۳۳۱.....
- ۱۱۸.....حزب ایران و لایحه اختیارات.....
- ۱۱۹.....پنجمین کنگره حزب ایران.....
- ۱۲۰.....سال ۱۳۳۲ سال ضعف حزب ایران.....
- ۱۲۳.....یادداشتها و منابع فصل هفتم.....
- ۱۳۱.....فصل هشتم: حزب میهن پرستان.....
- ۱۳۱.....تشکیل حزب میهن پرستان.....
- ۱۳۱.....نشریات وابسته به حزب میهن پرستان.....
- ۱۳۴.....تشکیل حزب میهن پرستان از دیدگاه موسسین حزب.....
- ۱۳۵.....ائتلاف حزب میهن پرستان با احزاب دیگر.....
- ۱۳۷.....یادداشتها و منابع فصل هشتم.....

۱۳۹	فصل نهم: حزب میهن
۱۳۹	تشکیل حزب میهن
۱۴۰	نشریات وابسته به حزب میهن
۱۴۰	مرامنامه حزب میهن
۱۴۳	روابط حزب میهن با حزب توده
۱۴۸	ائتلاف با حزب ایران
۱۴۸	یادداشتها و منابع فصل نهم
۱۵۱	فصل دهم : جبهه ملی
۱۵۱	چگونگی پیدایش جبهه ملی
۱۵۴	آغاز انتخابات دوره شانزدهم سر آغاز حرکت جبهه ملی
۱۶۰	تحصن اعضای جبهه ملی
۱۶۳	چگونگی تشکیل جبهه ملی و نامگذاری آن
۱۶۵	اساسنامه جبهه ملی
۱۶۵	جبهه ملی حزب یا ائتلاف
۱۶۸	روند تبدیل جبهه از دیدگاه روزنامه های وابسته به جبهه
۱۶۹	حوادث بعد از تحصن
۱۷۳	نخستین مبارزات سیاسی جبهه ملی
۱۷۵	موفقیت جبهه ملی در دوره دوم انتخابات مجلس شانزدهم
۱۷۶	ترکیب جبهه ملی ایران
۱۷۸	یادداشتها و منابع فصل دهم

۱۸۴	فصل یازدهم: حزب ملت ایران (پان ایرانیست).....
۱۸۵	انشعاب در حزب پان ایرانیست.....
۱۸۶	حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم.....
۱۸۸	نشریات.....
۱۹۱	یادداشتها و منابع فصل یازدهم.....
۱۹۱	فصل دوازدهم: حزب مردم ایران.....
۱۹۳	ائتلاف با حزب ایران.....
۱۹۶	جدایی میان نهضت‌ها و حزب ایران.....
۱۹۸	از نهضت خدایرستان سوسیالیست تا حزب مردم ایران.....
۲۰۰	نهضت خدایرستان سوسیالیست و جبهه ملی.....
۲۰۲	مرامنامه حزب مردم ایران.....
۲۰۵	عقاید حزب مردم ایران.....
۲۰۷	یادداشتها و منابع فصل دوازدهم.....
۲۱۰	فصل سیزدهم: حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم).....
۲۱۰	مقدمه ای بر تشکیل حزب زحمتکشان ملت ایران.....
۲۱۶	تشکیل حزب زحمتکشان ملت ایران.....
۲۱۶	دلایل تشکیل حزب از دیدگاه موسسین.....
۲۱۷	اساسنامه حزب زحمتکشان.....
۲۱۹	تشکیلات و فعالیتهای حزب زحمتکشان.....
۲۲۰	نشریات حزب زحمتکشان.....

۲۲۲.....	عکس العمل به تاسیس حزب زحمتکشان.....
۲۲۴.....	مواضع کلی حزب نسبت به حزب توده از اعلام موجودیت تا واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱.....
۲۲۶.....	واکنش حزب زحمتکشان در قبال ائتلاف حزب توده با جبهه ملی.....
۲۲۷.....	سیاست خارجی حزب بر اساس مندرجات روزنامه شاهد.....
۲۲۸.....	زمینه های انشعاب چگونه فراهم شد.....
۲۳۳.....	اخراج ملکی از حزب زحمتکشان ملت ایران.....
۲۳۸.....	خلیل ملکی و نیروی سوم.....
۲۴۵.....	مهم ترین اعضای حزب نیروی سوم.....
۲۴۸.....	مواضع حزب نیروی سوم.....
۲۵۹.....	یادداشتها و منابع فصل سیزدهم.....
۲۶۸.....	نتیجه گیری.....
۲۷۵.....	یادداشتها و منابع.....
۲۷۶.....	فهرست منابع وماخذ.....
۲۷۶.....	کتب.....
۲۸۴.....	مقالات.....
۲۸۶.....	نشریات.....

در ابتدا باید اشاره کرد که منظور از جریانها و گروههای به کار رفته در عنوان پایان نامه بررسی احزاب ناسیونالیست از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می باشد.

تعریف حزب:

امروزه تعاریف مختلفی از حزب موجود است که از دیدگاههای گوناگون سیاسی و جامعه شناختی ارائه شده است.

حزب در انگلیسی "party" نامیده می شود، اصولاً، حزب یک واژه عربی است که بهترین معادل آن را در فارسی، گروه یا دسته، بکار می برند، اگر چه معنای این دو واژه در زبانهای اروپایی با الفاظ دیگری به کار رفته است، مثلاً گروه "group" و دسته را "faction" می نامند، اما در فرهنگ سیاسی جامعه ما واژه حزب مترادف با همان "party" در زبانهای اروپایی است سار توری حزب را چنین تعریف می کند:

«حزب، گروه سیاسی است که با عنوان رسمی شناخته می شود و موقع انتخابات می تواند کاندیدای خود را برای پستهای دولتی منتخب کند.» (۱)

اما با توجه به کارکردهای مختلفی که احزاب سیاسی بر دوش دارند، این تعریف چندان نمی تواند، تعریف جامعی باشد. برخی هم، تعریف را بسیار گسترده، کرده اند و حزب را به طور کلی به هر مفهوم و در هر زمینه ایدئولوژیکی از نظر سیاسی، دستگاهی نامیده اند که هدف نهایی آن رسیدن به قدرت است و رسیدن به قدرت نیز مفهومی اجرایی اصول و افکار و عقاید اجتماعی از راه قانونگذاری و تغییر روابط اقتصادی و اجتماعی جامعه، بر اساس ایدئولوژی است. (۲)

موريس دوورژه، معتقد است که احزاب ترجمان نیروهای اجتماعی هستند و ممکن نیست در اثر یک تصمیم ساده به وجود بیایند. (۳) از مجموع نوشته های وی می توان به این سخن او درباره احزاب استناد نمود:

«این سازمانها، گروه‌هایی سازمان یافته، منظم و مرتبی هستند که برای مبارزه، در راه قدرت ساخته شده‌اند و منافع و هدفهای نیروهای اجتماعی گوناگون را بیان می‌کنند و خود هم به درستی، وسیله عمل سیاسی آنان می‌باشند.» (۴)

دکتر علی شریعتی در تعریفی از حزب چنین می‌گوید:

« حزب، عبارت از سازمان اجتماعی متشکلی است، دارای جهان بینی، ایدئولوژی، فلسفه تاریخ، نظام اجتماعی ایده آل، پایگاه طبقاتی، جهت‌گیری طبقاتی، رهبری اجتماعی، فلسفه، سیاسی، جهت‌گیری سیاسی، سنت، شعار، استراتژی و تاکتیک مبارزه و آرمان، که می‌خواهد وضع موجود را در انسان، جامعه، ملت یا طبقه‌ای خاص تغییر دهد و وضع مطلوب را جانشین آن سازد.» (۵)

در این تعریف با انبوهی از کارکردها، اهداف و ویژگیهای حزب که در فرهنگ سیاسی به کار می‌رود، مواجه هستیم. این تعریف علی رغم جامعیت، آنقدر گسترده است که نمی‌توان هیچ گروه یا دسته‌ای که داعیه تحقق یکی از موارد بالا را داشته باشد، از شمول حزب خارج کرد.

تعریف دیگری از حزب بدین شرح است که:

«حزب سیاسی، عبارت است از قسمت پیشرفته و فهمیده یک طبقه اجتماعی که برای تأمین منافع طبقاتی و رسیدن به حکومت و اجرای مرام خود با یک نظام معین مبارزه کرده و طبقه مخصوص را که حزب نماینده آن است در کشمکشهای اجتماعی رهبری می‌کند.» (۶)

تلقی عده‌ای از حزب صرفاً در حد یک ابزار، برای جمع بندی، کانالیزه کردن افکار و بالاخره سعی در عملی ساختن نظرهای مختلف در جامعه و در عین حال، مانعی در راه تشنت و هرج و مرج افکار و وسیله تحقق بخشیدن به مشارکت سیاسی افراد و جامعه، دانسته‌اند. (۷)

اندیشمندان سیاسی، نقشها و وظایفی زیادی را برای حزب قایل شده‌اند. در اینجا می‌توان به تعریف حسین تبریزنیا، نیز اشاره کرد:

حزب، عبارت است از گروهی سازمان یافته که برای کسب قدرت سیاسی و تحقق اهداف مادی و غیر مادی خود مبارزه می‌کند. به عبارت دیگر، حزب عبارت است از گروهی از افراد که به منظور کسب قدرت سیاسی و تحقق آرمانها و اهداف خویش سازمان یافته‌اند. (۸)

به نظر نویسنده در تعریف احزاب سیاسی، گروههایی را می‌توان حزب نامید که دارای سه مؤلفه زیر باشند:

۱- سازمان

۲- ایدئولوژی

۳- مبارزه برای کسب قدرت

بدیهی است فقدان هر یک از این مؤلفه‌ها، گروه را از ماهیت حزب خارج می‌نماید.

حال با این تعاریف که از حزب ارائه شد، باید گفت که، چه احزابی را می‌توان احزاب ملی نامید؟

حزبهای ملی، احزابی هستند که از منافع طبقه ویژه‌ای دفاع و حمایت نمی‌کنند و هدف اساسی این حزبها تأمین منافع و رفاه همه قشرها و گروههای اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و نژادی است. این حزبها، طرفدار امتیازهای طبقاتی نیستند، لیکن با تبدیل تصنعی جامعه به یک طبقه یک دست نیز موافق نمی‌باشند. به زعم آنها بهترین راه برای کاهش دادن و از بین بردن امتیازهای طبقاتی، ایجاد امکانات و تسهیلات لازم برای حرکت و نقل و انتقال طبیعی فرد از یک طبقه به طبقه دیگر است.

حفظ حقوق و آزادی‌های فردی، ادامه مالکیت خصوصی تا آنجا که منافع ملی را در معرض خطر قرار ندهد، ملی ساختن صنایع و منابع حیاتی و مورد نیاز همگان و وحدت و یکپارچگی ملی، از دیگر هدفهای این احزاب است.

حزبهای ملی از ارزشها و نهادهای موجود، صرفاً به خاطر قدمت آنها حمایت و پاسداری نمی‌کنند و همه نهادها و ارزشهای موجود را نیز مقدس و محترم نمی‌شمارند. این احزاب از میان نهادها و ارزشها آنچه را که ضامن سلامت و رفاه و امنیت همگانی است، می‌ستایند و با تمام قوا از آنها پاسداری می‌کنند، اما در عین حال از متلاشی شدن و

رها کردن ارزشهای مضر و بیهوده نیز ابایی ندارند، انعطاف پذیری با در نظر داشتن مقتضیات زمانی و مکانی، واقع بینی، نامتجانس بودن اعضا و تمرکز دموکراتیک، از ویژگیهای بارز این احزاب می باشد. (۹)

تاریخچه ناسیونالیسم در قبل از شهریور ۱۳۲۰ در ایران

اولین متفکرین ایرانی که در قرن ۱۹ تفکرات ناسیونالیستی با مایه های لیبرالیستی را وارد ایران کردند، آخوند زاده و میرزا آقاخان کرمانی بودند. (۱۰) افکار آنها با وقوع انقلاب مشروطه تقویت شد ولی با این وجود حکومت ملوک الطوایفی قاجار سد مهمی در برابر تقویت نیروهای ناسیونالیستی بود. ویژگی ناسیونالیسم عصر قاجار عدم توجه به نژاد بود و بیشتر گرایش لیبرالیستی داشت که از دیدگاه نگارنده با ناسیونالیسم واقعی هماهنگ نیست.

با قدرت گیری رضاشاه که مورد حمایت نیروهای ناسیونالیست بود، ناسیونالیست به شدت تقویت شد و رضاشاه با تاسیس یک حکومت متمرکز و از بین بردن حکومت ملوک الطوایفی که بیش از هزار سال ایران به این روش اداره می شد، یک حکومت شبه ملی بوجود آورد که تاحدی مولفه های حکومت ناسیونالیستی را داشت مثل تقویت زبان فارسی و حس وطن پرستی، ولی باز هم اندیشه نژادی در ایران مورد توجه قرار نگرفت.

در اواخر عصر رضا شاه محسن جهانسوز و حزب کبود به نژاد، به عنوان پایه اصلی ناسیونالیست، توجه زیادی کردند. با اعدام جهانسوز در ۱۳۱۸ این جریان ضعیف شد و این وضع تا شهریور ۱۳۲۰ برای نیروهای ناسیونالیست باقی ماند.

فعالیت احزاب سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰:

با حمله متفقین به ایران در سحرگاه سوم شهریور ۱۳۲۰ و اشغال کشور از سوی آنها، تحولات مهمی در ایران رقم خورد و چهره جامعه، دگرگون شد. متفقین در نخستین اقدام، خواستار کناره گیری رضا شاه شدند، که وی مجبور به استعفا شد. غیبت یکباره مردی که همه امور کشور را در ید قدرت خویش داشت باعث شد که شیرازه امور از هم گسیخته و جامعه، رها گردد. هر چند که اشغال ایران، از سوی متفقین با پیامدهای ناگوار و منفی اقتصادی برای ملت ایران همراه بود، در عوض از بعد سیاسی، تأثیرات مثبتی بر جای نهاد. با رها شدن نیروهای

اجتماعی که تحت فشار رضا شاه قرار داشتند، فضای باز سیاسی برای گروه‌ها و بازیگران تازه، فراهم آمد، که زیر کنترل شدید متفقین نبودند و در یک رشته، مبارزات سیاسی درگیر شدند و زمینه را برای جنبشهای اجتماعی مهم در دوره بعد از جنگ فراهم شد.

دامنه فرایند سیاسی، از محدوده شاه فراتر رفت و طیفی از نهادها و بازیگران سیاسی - کابینه، مجلس شورای ملی، احزاب سیاسی، جنبشهای کارگری، روحانیت و ایلات - را فرا گرفت. با اشغال ایران و برچیده شدن نظام، نیروهای اجتماعی که تا آن زمان در منگنه فشار بودند، آزاد شدند. این نیروها به دنبال احیای مطبوعات آزاد، سازمانهای سیاسی و درگیر شدن در جنبشهای اجتماعی بودند.

در صحنه سیاسی، سقوط دیکتاتوری به معنی از میان رفتن سایه اختناق و استبداد و وزش نسیم آزادی در صحنه‌های گوناگون محسوب می‌شد. در نخستین گام، با باز شدن در زندانها، زندانیان سیاسی از بند رها شدند. قلمها، به کار افتاد، شر سانسور، از سر مطبوعات کم شد و مطبوعات بار دیگر به فعالیت پرداختند. در چنین فضایی، روشنفکران و مبارزان جامعه، به منظور کسب حقوق غصب شده و حفظ آزادیهای به دست آمده و با هدف هدایت جامعه به ایجاد تشکلهای مختلف صنفی و سیاسی اقدام کردند و روی هم رفته گروههای مطبوعاتی و پارلمانی متعددی در کشور به فعالیت پرداختند، و بدین سان به دنبال یک وقفه حدوداً ۲۰ ساله در فعالیتهای سیاسی و حزبی، در مدت کوتاهی، شمار زیادی حزب، انجمن، اتحادیه، گروه و... در ایران پا به عرصه وجود گذاشته و به عبارتی دومین دوره حیات احزاب و تشکلهای سیاسی در کشور آغاز شد.

وجه تمایز این دوره، کاهش نسبی قدرت دربار به صورت مظهر حکومت مطلقه و سیطره بر جامعه بود، ولی در این سالها که به تصور برخی از محققان مرحله دموکراسی ناقص بود، دربار و نهادهای سلطنت از بین نرفت، بلکه از لحاظ نهادی موقعیت خود را در فرصتهای مختلف بعدی تحکیم بخشید و جایگاه خود را همچنان به عنوان عالیترین مرجع اعطای حمایت حفظ کرد. این فضا تا مرداد ۱۳۳۲ ادامه داشت و جامعه ما در یک روند دوازده ساله به تمرین دموکراسی پرداخت. فضایی که بر خلاف پایان تاریکش، که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رقم خورد، ثمرات

درخشانی نیز به بار آورده از جمله ملی شدن صنعت نفت و مبارزات استعمار ستیزانه ملت ایران که به الگویی برای مبارزات ضد استعماری در جهان سوم، مبدل شد.

تقریباً ایدئولوژی همه احزاب و نیروهای سیاسی ایران در این دوره و پس از آن، از اندیشه‌هایی سیاسی و حزبی عصر مشروطه، گرفته شده بود. در این دوره؛ یعنی از آغاز دهه ۲۰ تا سال ۱۳۳۲، شاهد بیشترین احزاب و جمعیت‌های سیاسی هستیم، به گونه‌ای که کثرت و تنوع احزاب در این دوره نه پیش و نه حتی پس از آن دیده نشد.

اقدامات محمد علی فروغی، آخرین نخست وزیر رضا شاه و اولین نخست وزیر شاه جدید، از یکسو و جوان و کم تجربه بودن شاه از سوی دیگر به ایجاد فضای نسبتاً باز سیاسی و حضور نسبی مردم در صحنه و امید دستیابی به آرمانها و خواسته‌های سرکوب شده، کمک کرد. در مدت صدارت فروغی، زندانیان آزاد شدند و نهادهای مشارکت قانونی امکان فعالیت یافتند.

بی تردید افزایش مستمر نیروهای اجتماعی جدید، که شدیداً متأثر از اصلاحات اداری، صنعتی و فنی رضا شاه بود. در ایجاد فضای آزادی که پس از سقوط رضاشاه به وجود آمده بود، به شکل‌گیری احزاب و انجمنها و تشکلهای سیاسی یاری رساند.

جوان بودن جمعیت ایران، که محرک اصلی پویایی و دگرگونی سیاسی و اجتماعی هر جامعه در حال گذر است، از ویژگیهای جامعه ایران بوده است، نیروهای اجتماعی جوانی که خواسته‌های آنها سرکوب شده بود، پس از شهریور ۱۳۲۰ فرصت یافتند، با ایجاد سازمانهای مورد نظر خود، در صحنه سیاسی ایران حضور پیدا کنند. به نوشته مهندس مهدی بازرگان، ایجاد احزاب، فعالیت تشکلهای و انجمنهای سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ بیش از هر چیز، حاصل ضرورت و نیاز فعالیت اجتماعی و سیاسی نسل جوان و تحصیلکرده، بود. (۱۱)

البته تنها جوانان و تحصیلکردگان نبودند که در سالهای اشغال نظامی ایران به فعالیت سیاسی علاقه نشان می‌دادند، بلکه بخشی از مردم شهرها و طبقات و اقشار مختلف به قصد اصلاح سیاسی و اجتماعی کشور پا به عرصه

سیاست گذاشتند و با ایجاد جمعیتها، گروهها و تشکلهای سیاسی در صدد برآمدند، در روند تصمیم‌گیری سیاست داخلی و خارجی مداخله نمایند.

ناگفته نماند که برخی از سیاستمداران و آزادیخواهان که به دلایل مختلف در ۱۶ سال سلطنت پهلوی اول خانه نشین و با تبعید و زندانی شده بودند با ایجاد فضای باز سیاسی، بار دیگر وارد میدان سیاست شده و به جو رقابت سیاسی، رونق بخشیدند. (۱۲)

جوان بودن جمعیت ایران و افزایش مستمر تعداد تحصیلکردگان و کارمندان از یکسو و رهبری ضعیف محمدرضا شاه پهلوی و حضور نیروهای بیگانه از سوی دیگر، باعث شدند که اعمال و تقسیم قدرت سیاسی بیشتر توسط گروههای اجتماعی غیر رسمی و نهادهای مشارکت قانونی صورت پذیرد.

با تضعیف دربار و ناکارآمدی شاه در اعمال قدرت، درگیری بر سر توزیع امکانات و امتیازات ناشی از مقام و موقعیت بیشتر در چارچوب شبکه‌های گروهی غیر رسمی و روابط مبتنی بر حمایت و وابستگی حل و فصل می‌شد. افراد همفکر، دوستان، خویشان و هم ولایتیها از سوی یک سرکرده، یا دسته‌ای از سرکردگان، بسیج می‌شدند و احزاب فراکسیونها و انجمنهای خود را بر پا می‌کردند و فعالیت می‌کردند.

البته دولتهای انگلستان و شوروی با استفاده از شرایط به وجود آمده، عمدتاً به منظور کنترل بیشتر اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران به سازماندهی نیروهای طرفدار خود و ایجاد احزاب وابسته اقدام کردند. به نوشته بهروز طیرانی، روسها و انگلیسها از تشکیل احزاب وابسته به خود، هدفهای چندگانه‌ای را دنبال می‌کردند:

«مقابله با عوامل سیاسی آلمان از طریق ایجاد پایگاه مردمی و نفوذ در آراء و عقاید عمومی، تأثیر گذاری بر روند حوادث سیاسی در دراز مدت و همچنین انحراف افکار عمومی از قضیه اشغال خاک کشور.» (۱۳)

در هر حال، طی دوازده سال اول سلطنت محمدرضا شاه حدود ۳۰ حزب و تشکل و انجمن سیاسی با انگیزه‌ها و اهداف خاصی تشکیل شدند. بسیاری از آنها به سادگی به وجود آمدند و به سادگی از بین رفتند برخی از آنها جنبه شهری داشت، برخی دیگر سراسری و ایران شمول بودند؛ یعنی این که فعالیت سازمانی و تبلیغاتی آنها محدود به یک شهر و یا یک طبقه و منطقه، نمی‌شد.

گروه‌هایی که در صحنه سیاسی ایران ظاهر شدند و به دو دسته تقسیم می‌شوند:

گروه نخست احزابی بودند که عمری نسبتاً کوتاه داشتند و تنها اوضاع آشفته آن زمان به حضور مقطعی ایشان در جامعه کمک کرد. از جمله؛ حزب اراده ملی، اتحاد ملی، سوسیالیست ملی، سومکا و...

دسته دوم، احزابی بودند که به دلیل داشتن تشکیلات نسبتاً منسجم و نیرومند، سالهای پیاپی حتی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز به فعالیت ادامه دادند. از جمله؛ حزب توده ایران، حزب ایران، جبهه ملی و کسانی چون الون ساتن، در مورد این احزاب معتقدند که این احزاب با تجمع محدود دو یا چند نفر اشخاص مهم و مشهور به وجود آمدند و با انتشار روزنامه‌ای با سرمایه شخص نامشخص، موجودیت خود را اعلام داشتند. برنامه‌های این احزاب قابل تعویض و تبدیل به یکدیگر بود و معمولاً از اصول مشابهی ترکیب می‌شد که اغلب حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران در رأس برنامه آنها قرار داشت. نام این احزاب مانند کشورهای دیگر مشخص و نمایش دهنده سیاست آنها نبود. بعضی اسامی تازه و برخی نامهای احساساتی و هیجان‌انگیز از اعصار گذشته برای خود انتخاب می‌کردند.

«جریانها یا تفکرات سیاسی عمده، در شکل‌گیری احزاب سیاسی ایران»:

از دید نگارنده تقسیم بندی، ادوار تحزب در ایران، عبارت است از: دوره نخست تحزب یا ابتدای دوره مشروطه (مجلس دوم)، استقرار حاکمیت پهلوی، دوره دوم یا سالهای ۱۳۲۰ یا ۱۳۳۲ دوره سوم یا سالهای ۱۳۳۹ یا ۱۳۴۲ و دوره چهارم؛ سالهای ۵۷ تاکنون.

بخش اعظم جریانهای سیاسی و حرکت‌های حزبی در چهار دوره تحزب و تقریباً در همه گروه‌ها و تشکیلات مخفی مسلحانه در سالهای دیکتاتوری و رکود احزاب، بر پایه سه جریان فکری عمده مطرح در جامعه ایران؛ یعنی اندیشه‌های چپ، ناسیونالیستی و اسلامی، استوار بوده است.

جریان فکری چپ، در عصر مشروطه و در پیوند مشروطه خواهان و مبارزان ایران با انقلابیون قفقاز شکل گرفت. جریان اسلامی نیز با تنش میان دولت و علماء در دوره قاجار و اعتراض روحانیون به تغییرات نظام آموزشی،

اداری، قضایی، اصلاحات به شیوه غرب، مداخلات بیگانگان، واگذاری امتیازات به بیگانه و محدود شدن قدرت و اختیارات آنها آغاز شد که این حرکت توانست در دوره اول پهلوی و سپس با ایجاد جو سیاسی نسبتاً آزاد در دوره پهلوی دوم فعالیت خود را از سر گیرد.

جریان ملی گرا یا ناسیونالیست :

بروز ظهور حرکت‌های ناسیونالیستی به عنوان مظهر آرمان‌های ملی و میهنی در تاریخ ایران طبیعی بوده و این حرکت بخصوص، در دوره‌های دخالت بیگانگان و رژیم‌های دیکتاتوری روی داده است. درخواست حکومت ملی و آزادی‌های اساسی و درخواست حکومت قانون نیز از مشخصه‌های اصلی تلاشها و مبارزات ملی و تاریخی هر ملتی بوده و ایران نیز از این امر مستثنی نیست.

اما جریان ناسیونالیسم به شکل کنونی و نیز حاکمیت مردم، دموکراسی، نظام پارلمانی، آزادی احزاب و مفاهیمی از این قبیل برخاسته از تحولات درونی اروپا در قرن بیستم، نشأت گرفته، از ائتلاف و مبارزات سیاسی و اجتماعی غرب است، که پیش از انقلاب مشروطه و ظهور افکار و اندیشه‌های چپ و سوسیالیستی در ایران مرسوم گشت و محور آرمانها و فعالیت‌های مشروطه خواهان و اصلاح طلبان عصر قاجار گشت.

حرکت ناسیونالیستی، دموکراسی خواهی و دستاوردهای مجاهدان مشروطه طلب با تحولات بعدی و سرانجام استقرار حکومت رضاخان دچار وقفه گشت، اما خروج رضاخان فرصت تازه‌ای برای اعلام موجودیت گروه‌های گوناگون را با گرایش‌های مختلف فراهم آورد. در نخستین سال‌های حکومت پهلوی دوم و در دوره دوم فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی، جریان ناسیونالیستی که با مبارزه بر سر احقاق حقوق ملت بخصوص در موضوع نفت همراه بود، در قالب طیف وسیعی از احزاب ملی و ناسیونالیست بویژه جریان جبهه ملی ایران به رهبری دکتر مصدق شکل گرفت.

به طور کلی، ملی گرایی در ایران در دو مرحله به شدت فعال بوده است و نقش مهمی را ایفا کرده است: در سال‌های انقلاب مشروطه (۱۲۹۱-۱۲۸۵) و نهضت ملی شدن صنعت نفت. هر چند که در ناسیونالیسم امکان